

ORIGINAL ARTICLE

The position of endowments on the flourishing of the tradition of Taziye in Shiraz during the Qajar era (1220-1344 AH)

Kamal Zarifian Menesh¹, Fateme Bineshifar^{2*}

¹ PhD student of Islamic history, Shiraz University, Shiraz, Iran.

² PhD History of Islamic Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence

Fateme Bineshifar

Email: f_bineshi@yahoo.com

ABSTRACT

The Qajar era was a period of evolution, development, and growth in both quantity and quality. Ta'ziyeh underwent a number of changes during this time, including changes to both the content, and musical instruments. The Persian state, particularly the city of Shiraz, flourished during the Qajar era as a result of the religious context of Iranian society. Additionally, the competition between government officials, nobles and elders, women, Clergy, and businessmen played a significant role in holding of Muharram mourning rituals, especially Ta'ziyeh. On this basis, they endowed Taziye's location or covered its costs. These research attempts to address the desire problem by using the documentary method and document analysis by examining the role of endowment documents and their trustees in the Shiraz taziye administration during Qajar period. According to the research's findings, Shiraz's Qajar-era society's traditional and religious foundations as well as the local's devotion to Ahl al-Bayt (AS) among its merchants, noble women, and government officials have played a significant role in the growth of Ta'ziyeh in Shiraz.

KEYWORDS

Qajar, mourning, Ta'ziyeh, Shiraz, endowments.

How to cite

Zarifianmanesh, K. & Bineshifar2, F. (2022). The position of endowments on the flourishing of the tradition of taziye in Shiraz during the Qajar era (1220-1344 AH). Iran Local Histories, 11(1), 131-144.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

جایگاه موقوفات بر شکوفایی سنت تعزیه در شیراز عصر قاجار (۱۲۲۰-۱۳۴۴ق)

کمال ظریفیان منش^۱، فاطمه بینشی فر^{۲*}

چکیده

عهد قاجار دوره تکامل، توسعه و رشد کمی و کیفی تعزیه بود و از جهات گوناگون از جمله محتوا، نحوه اجرا، چگونگی پوشش، دگرگون شد و به دلیل بافت مذهبی جامعه ایران و به تبع آن ایالت فارس و به ویژه شهر شیراز در عصر قاجار، رونق فراوانی یافت. علاوه بر این رقابت کارگزاران حکومتی، اعیان و بزرگان، زنان، روحانیون و بازرگانان نقش پررنگی در برگزاری آیین عزاداری محرم به ویژه برگزاری تعزیه داشتند و در این راه موقوفاتی را برای محل و یا تامین مخارج تعزیه‌داری وقف می‌کردند. بررسی جایگاه اسناد موقوفات و متولیان آن‌ها در تعزیه‌داری شیراز در دوره قاجاریه، پرسشی اساسی است که این پژوهش تلاش دارد با استفاده از روش اسنادی و تجزیه و تحلیل اسناد به مسئله مورد نظر پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بافت سنتی و مذهبی جامعه فارس در دوره قاجار و ارادت بومیان از جمله تجار، زنان اعیان و کارگزاران حکومتی نسبت به اهل بیت (ع) عامل مهمی در افزایش موقوفات و توسعه تعزیه‌داری در شیراز بود.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
^۲ فاطمه بینشی فر، دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

واژه‌های کلیدی

قاجار، عزاداری، تعزیه، شیراز، موقوفات.

نویسنده مسئول:

فاطمه بینشی فر

رایانامه: f_bineshi@yahoo.com

استناد به این مقاله:

ظریفیان منش، کمال و بینشی فر، فاطمه (۱۴۰۱). جایگاه موقوفات بر شکوفایی سنت تعزیه در شیراز عصر قاجار (۱۲۲۰-۱۳۴۴ق). فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۱)، ۱۴۴-۱۳۱.

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

۱. مقدمه

در جامعه ایرانی عصر قاجار، زندگی خانواده‌های ایرانی بر پایه باورهای دینی استوار بود. یکی از سنت‌های مذهبی این دوران، عزاداری برای امام حسین (ع) بوده است که به مرور زمان از صورت عزاداری‌های ساده درآمد و با استقرار حکومت صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ق.ه) با تدوین آثاری از جمله روضه الشهداء رونق یافت و در دوره قاجاریه (۱۳۴۴-۱۱۹۳ق.ه) به اوج خود رسید. شیوه‌های عزاداری در عصر قاجار عبارت بودند از: سینه‌زنی، زنجیرزنی، قمه‌زنی و تعزیه و تعزیه‌خوانی؛ علاقه فراوان اهالی شهرها و روستاها، بازرگانان، اعیان و بزرگان و درباریان قاجار به مراسم مذهبی، به تکامل تعزیه‌داری منجر شد، گرچه تعزیه‌خوانی نتیجه و شکل تجسم‌یافته و صورت نمایشی اعتقادات مذهبی مردم شیعه ایران و نمودی عینی و شکلی بیرونی از دانسته‌ها و باورهای ذهنی و احساسات مذهبی مردم درباره خاندان پیامبر(ص) قلمداد می‌شد، اما درباره سیر تحول و شکل‌گیری تعزیه، دیدگاه‌های متنوعی ارائه شده است. گروهی معتقدند، تعزیه و شبیه‌خوانی به شکلی که دوره قاجار برگزار می‌شد در عصر صفویه وجود نداشت، یا اینکه در مراحل مقدماتی و پیدایی خود قرار داشت و در زمان حکومت کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۱۶۳) نخستین بار در شیراز نمایش آیینی تعزیه‌داری برگزار شد. با ظهور و توسعه سنت تعزیه‌خوانی در ایران و تکامل آن در دوره قاجار، علاوه بر تهران، در شیراز نیز تکاپایی برای برگزاری مراسم مذهبی توسط اعیان و شاهزادگان قاجار (که به‌عنوان والی گماشته می‌شدند)، ایجاد شد. در رابطه با متن مجلس تعزیه، صرف‌نظر از موضوع و داستان آن، متأثر از محیط فرهنگی و جغرافیایی از لحاظ صورت و معنا با مجلس دیگر کم و بیش تفاوت داشت و برتابنده ویژگی‌های زبانی-گویی مردم و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی جامعه آن شهر و روستا بود.

۱. این مقاله با تکیه بر منابع موجود و اسناد حاضر و رویکرد توصیفی-تحلیلی و تبیین موضوع در صدد پاسخ به این سؤال است که موقوفه‌های دولتمردان، اعیان، بزرگان، روحانیون و زنان بر شکوفایی آیین تعزیه در شیراز چه تأثیری داشته است؟ مدعی مطرح شده این است که حمایت دولتمردان، اعیان و... از تعزیه‌داری و اختصاص موقوفه‌هایی برای برگزاری و تأمین هزینه آن و همچنین اختصاص درآمدی برای خرید اسباب و اثاثیه مورد نیاز

تعزیه‌گردانان از مهم‌ترین دلایل شکوفایی آیین تعزیه در شیراز عصر قاجار بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد جایگاه موقوفات و تأثیر آن‌ها بر رونق و شکوفایی تعزیه‌داری در شیراز، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و اغلب پژوهش‌ها درباره تعزیه، به سیر تکامل تعزیه در مرکز پرداخته‌اند و چندان به شهرها و مناطق پیرامونی توجهی نکرده‌اند. با این وجود در برخی از پژوهش‌ها، درباره تاریخچه شروع تعزیه‌داری در شیراز اطلاعاتی مهمی وجود دارد. همایونی در کتاب «شیراز خواستگاه تعزیه» بیشتر در پی بررسی سیر تحول تعزیه در شیراز از دوره صفویه تا دوره قاجار است، علاوه بر این وی در کتاب «تعزیه و تعزیه‌خوانی» دلبستگی‌های مذهبی و عاطفی و هنری که در فرهنگ ملی و مذهبی این منطقه وجود داشته‌است را از دلایل تکامل تعزیه‌داری در شیراز می‌داند (همایونی، ۱۳۵۷: ۱۵)، اما چندان به جایگاه موقوفه‌ها در این تحول و تکامل نپرداخته است.

بلوک‌باشی نیز در اثر خود علت توجه اعیان و بزرگان به وقف خانه‌های خود برای برگزاری تعزیه را اجر و پاداش اخروی و یا نیت ادای نذر آن‌ها می‌داند (همایونی، ۱۳۸۳: ۷۰). پژوهش دیگر مربوط به جمشید ملک‌پور است وی ریشه‌های تعزیه را به آیین‌های ایرانی پیش از اسلام از جمله سوگ سیاوش و... نسبت می‌دهد؛ اما رونق آن را متأثر از حمایت شاهان قاجار و طبقه ثروتمند جدید می‌داند (Malek Pour, 2005: 28). نعمت‌اللهی ماهانی در کتاب "the holy drama" نیز علت توجه اشراف و عامه مردم به تعزیه در عصر قاجار را علاقه به آشنایی با زندگی امامان شیعه و مصائب آن می‌داند (Nematollahi Mahani: 2013: 23-24) و همچنین دلیل اهمیت موقوفات و تعزیه نزد زنان را سخاوت‌مندی حضرت زینب به‌عنوان الگوی اعتقادی و اخلاقی زنان شیعی ایرانی می‌داند (Nematollahi Mahani: 2013: 77). چلکوفسکی نیز در پژوهش خود هدف از تعزیه و اختصاص موقوفات به آن را مشارکت و کمک برای رستگاری می‌داند (Chelkowski, 1997: 37). پژوهش میلوسی ریگو نیز در رابطه با سیر تکامل و رکود تعزیه و همچنین تأثیر رشد اندیشه‌های جدید، ضعف قدرت مرکزی و تنوع و اجرای مراسم تعزیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی در طول

آلات شامل دیگ بزرگ و کوچک ۵ عدد، طشت، آفتابه لکن دو دست، ماهی‌تابه بزرگ، کفگیر بزرگ، سر دیگ ۵ عدد، شمعدان دو عدد، مجموعه قهوه‌خوری دو عدد و... (محمد قاسم خان الله‌باشی، ۱۳۳۸: اداره کل، ب/۱۵؛ محمد اسماعیل بن عبدلنبی زارع، ۱۳۹۴: اداره کل، آرشیو ۲۳۳، م/۸۳؛ همایونی، ۱۳۸۰: ۴۴۷-۴۵۳)

۱. اسباب و وسایلی که برای تعزیه‌خوانی و عزاداری امام حسین (ع) در نظر گرفته می‌شد و غالباً هزینه‌های آن‌ها از موقوفه‌ها تأمین می‌شد، عبارتند از: پوش چادر، کتیبه مرقومه به جهت دود خانه، چهارپارچه، شش‌پارچه، سپر، شتر و... و مسینه

ملت (نه ایالتی از امپراتوری مسلمانان) می‌داند که فرقه شیعه و ناسیونالیسم ایرانی را به هم پیوند داد (Riggio, 1994: 116); برخی نیز اندیشه‌های ایرانی پیش از اسلام از جمله یادگار زریران، سوگ سیاوش، تراژدی میترا (Masab-e Mitra) را که در دوره اسلامی به رویدادهای محوری تبدیل شدند و وارد متون شیعی اسلامی شدند (Nematollahi Mahani, 2013: 24) همچنین ویژگی‌های قهرمانان و نبردها و صحنه‌ها و فن داستان‌سرایی در تعزیه را تجسم‌یافته و متأثر از اشعار حماسی شاهنامه می‌دانند (Malekpour, 2005: 9-10, 38-40).

برخی نیز تعزیه را متأثر از عناصر فرهنگی و سیاسی جهان غرب می‌دانند که از قرن هفدهم تا نوزدهم میلادی به تدریج در قالب ترجمه آثار اروپایی و دانشجویان ایرانی به ایران راه یافت، اما منابع اصلی تعزیه را در آثاری چون روضه الشهداء ملاحسین واعظ کاشفی می‌دانند که در عصر صفویه زندگی می‌کرد، که با حمایت شاهان قاجار به شکل هنر نمایشی ملی در ایران تبدیل شد (Malekpour, 2005: 11-12).

پژوهشگری دیگر نیز، تلفیقی از دیدگاه‌های اخیر دارند و تعزیه ایرانی را نمایشی آیینی می‌دانند که شکل و محتوای خود را از سنت‌های مذهبی می‌گیرد و با وجود ظاهری اسلامی به شدت فارسی است و از میراث سیاسی و فرهنگی خاص خود الهام می‌گیرد؛ علاوه بر این با استناد به منابع اروپایی و توصیفات آن‌ها از مراسم عزاداری در عصر صفوی، ریشه‌های تعزیه‌داری را در این عصر می‌داند (Chelkowski, 1977: 31) و با بیان شباهت‌هایی مانند پرده‌کشی و ذکر مصایب مسیح در قرون میانه، عزاداری عاشورا را تا حدودی متأثر از سبک‌های اروپایی می‌داند (Chelkowski, 1977: 31-32). جی حسین نیز تعزیه را نمایش شور اسلامی می‌داند که از سوی شیعیان برای کشته شده‌گان حادثه عاشورا در جامعه پدید آمد و آن را از لحاظ نیت و محتوا متأثر از نمایش‌نامه‌های مصائب مسیح در اروپای قرون وسطی می‌داند (Ali, J. 14, Hussin, 2003: 360). برخی نیز معتقدند تعزیه، ریشه‌ای کاملاً شیعی و اسلامی دارد و معتقدند تعزیه و نمایش‌نامه شور مسیح که نشان دهنده محاکمه، مصلوب شدن و رستاخیز عیسی (ع) و شهادت حسین بن علی (ع) است ریشه‌های مذهبی در جوامع خود دارند (Al-Khafaji, 2017: 15). همچنین روند ظهور تعزیه در روز عاشورا همراه با ظهور آنچه روان‌شناسان آن را حس سوگ می‌خوانند؛ یعنی روزی که امام حسین (ع) و یارانش پس از شهادت هر یک از همراهانشان گریه می‌کردند و مانند هر انسان دیگری غمگین می‌شدند، آغاز شد (Rafifar, Shirmohammadi, 2015: 69) علاوه بر این معتقدند

سال، اهمیت دارد (Riggio, 1994: 116).

این مقاله به دلیل پرداختن به اسناد موقوفات و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر شکوفایی آیین تعزیه در شیراز به فاصله سالهای (۱۲۲۰ق-۱۳۴۴ق)، موضوعی بدیع و نو است. به دلیل کمبود منابع در این زمینه، تلاش شده است از طریق اسناد موقوفات، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و مذهبی شیراز و به تبع آن جایگاه آیین شیعی ایرانی تعزیه نمایان شود. عدم دسترسی و همچنین ناخوانا بودن بعضی از اسناد و موقوفه‌ها به دلیل مخدوش بودن، استفاده از آنها را دشوار کرده است. لذا نهایت تلاش برای بررسی و تحلیل جامع و کامل اسناد مرتبط با موقوفات صورت گرفته است. این مقاله پس از بررسی اوضاع مذهبی شیراز در عصر قاجار، اهمیت موقوفات و میزان اثرگذاری دولتمردان، اعیان، روحانیون زنان و بازرگانان بر رشد و شکوفایی سنت تعزیه‌داری را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۳. سیر تحول و تکامل تاریخی تعزیه‌داری در ایران

در رابطه با پیدایی و چگونگی شکل‌گیری آیین مذهبی تعزیه در ایران تاکنون نظریات متفاوتی ارائه شده است. اینکه تعزیه‌خوانی در چه دوره و زمانی پدید آمده، تأثیری در اهمیت این آیین مذهبی ندارد. آنچه در رابطه با پیشینه تاریخی تعزیه معلوم نیست خاستگاه و تاریخ تکوین و پیدایی آن به صورت یک پدیده نمایشی است. پژوهشگران این حوزه دیدگاه‌های مختلفی درباره پیدایی آن ارائه می‌دهند. برخی معتقدند تعزیه برخاسته از مجالس عزاداری امام حسین (ع) است که برخی از آن‌ها در قرن نهم گزارش شده است، اما ممکن است ریشه‌هایی قبل از اسلام داشته باشد. کسانی که از این دیدگاه برای سیر پیدایی تعزیه استفاده می‌کنند به اشکال دیگری از عزاداری‌های پیرامون شهادت امام حسین اشاره می‌کنند که برخی از آن‌ها شامل نمایش، راهپیمایی و مجالس نمایشی است، اما تولید کاملاً دراماتیک و نمایشی ندارد و اولین تولیدات کاملاً نمایشی تعزیه مربوط به اواخر قرن هجدهم میلادی است (Beeman, 2003: 360).

برخی نیز معتقدند تعزیه ریشه‌های اسلامی و شیعی و تاحدودی متأثر از اندیشه‌های ایرانی دارد، از جمله انصاری پتی ریشه‌های شکل‌گیری آیین تعزیه را بعد از واقعه عاشورا و وقوع رویدادهای تاریخی در نیمه دوم قرن هفتم در عربستان، سوریه و عراق می‌داند و اولین عزاداری محرم را متشکل از شرکت‌کنندگان شیعی می‌داند که با چهره‌های سیاه و موهای ژولیده، دسته‌های نوحه‌خوانی و سینه‌زنی را در شهر به راه می‌انداختند، اما ریشه‌های اصلی پیدایی آیین تعزیه را در ظهور دولت صفویه در قرن شانزدهم و پذیرش تشیع به عنوان یک

ناصرالدین‌شاه قاجار به اوج تکامل رسید (Riggio, 1994: 34):
(Al- Khafaji, 2017, 15).

۴. سیر تحول و تکامل سنت تعزیه و تعزیه‌خوانی

در شیراز

اولین توصیف مهم از آداب محرم که وجود تعزیه را در اواخر سلسله زندیه تأیید می‌کند از ویلیام فرانکلین است که اجرای میدانی تعزیه‌خوانی در شیراز را پوشش می‌دهد. وی به رویارویی دو سپاه ابن سعد با امام حسین (ع) و یارانش، در شهر شیراز در سال ۱۲۰۱-۱۲۰۲م اشاره می‌کند و شرح مفصلی از مکان اجرا و مناظر ارائه می‌دهد و سپس از نمایشی به نام ازدواج قاسم یاد می‌کند که یکی از نمایش‌های معروف تعزیه است (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۷۲-۷۳). علاوه بر این، فسایی به برگزاری تعزیه در سال ۱۱۷۲ق در باغ دلگشا در زمان کریم‌خان زند اشاره می‌کند (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۰/۱). مدرک دیگری که دلالت بر پدیداری تعزیه در شیراز دارد اینکه «یکی از شعرای خور، میرزا لطفعلی محرم خوری که تا سال ۱۲۰۰ق/ ۱۷۸۵م حیات داشته و بیشتر عمرش را در دوره زندیه سپری کرده چند مجلس تعزیه سروده است، تعزیه عباس و برخی از اشعار تعزیه علی‌اکبر سروده اوست» (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). «کمال» نامی از اهالی فارس نیز از نخستین کسانی نام برده شد که تعزیه قربانی کردن اسماعیل را که تصویر آن بر دیوار هفت تن نقش شده بود سروده و فارسی بودن وی قرینه‌ای است قوی بر ایجاد، خلق و ابداع متن تعزیه و تعزیه‌خوانی در شیراز (همایونی، ۱۳۷۷: ۴۲-۴۳).

علاوه بر این، ویکنر طی سفری که به شیراز داشت، در خاطرات خود درباره برگزاری تعزیه در شیراز مطالب دقیقی را درباره برگزاری تعزیه، محل برگزاری و همچنین اسباب و اثاثیه‌ای که در مراسم تعزیه‌داری کاربرد داشتند ارائه می‌دهد و همچنین درباره زمان برگزاری تعزیه و نحوه پوشش عزاداران اطلاعات مهمی دارد (ویکنر، ۱۳۶۸: ۳۲۴-۳۲۶).

در رابطه با زمان و اشکال و محتوای تعزیه در شیراز عصر قاجار به‌نظر می‌رسد نه‌تنها در ماه‌های محرم و صفر (شکرالله‌خان نوری بن اسدالله‌خان نوری، ۱۲۵۰: اداره کل، ش/۲)، بلکه در طول سال نیز برگزار می‌شد به زمان خاصی محدود نبود؛ این درحالی است که مراسم تعزیه‌داری در شهرهای بزرگ غالباً در ایام محرم انجام می‌گرفت. به‌گونه‌ای که با بررسی اسناد موقوفات، موقوفه‌هایی علاوه بر تعزیه سیدالشهدا (ع) برای تعزیه امام علی (ع) نیز اختصاص داده می‌شد (هادی تاجر شیرازی، ۱۳۳۶: اداره کل، ۵/۵؛ رحیم زارع شیرازی، ۱۲۸۱: اداره کل، م/۱۷۸)، شعائر اسلامی از جمله عید غدیر

از آنجایی که نمی‌توان به منشأ یک پدیده قبل از زمان وقوع آن پدیده اشاره کرد دیدگاه‌های ایرانی‌گرا و مسیحی‌محور پیرامون ریشه‌های تاریخی آیین تعزیه نادرست می‌باشند (Rafifar, Shirmohammadi, 2015: 69).

در رابطه با شکل‌گیری نخستین نمایش تعزیه در ایران اطلاعات دقیقی در دست نیست و سفرنامه‌نویسان خارجی از جمله تاورنیه که بین سال‌های ۱۶۳۳-۱۶۶۸م به شرق سفر کرده اولین بار در مورد برخی از عناصر مهم نمایش تعزیه که در آن زمان به‌عنوان بخشی از مراسم عزاداری اجرا می‌شد اشاره می‌کند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۰-۴۱۶). آدام اولتاریوس نیز یکی دیگر از سفرنامه‌نویسان اروپایی است که در سال ۱۶۳۷م از ایران دیدن کرده است علی‌رغم اینکه گزارش‌های بسیار دقیقی از مراسم و دسته‌های عزاداری در اردبیل دارد، اما هیچ اشاره‌ای به تعزیه نمی‌کند (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۱۰-۱۸). شاردن نیز دو بار بین سال‌های ۱۶۶۴ و ۱۶۷۷م از ایران دیدن کرد، گرچه جزئیات کاملی از مراسم عزاداری در دهه محرم ارائه می‌دهد اما از تعزیه یاد نمی‌کند (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۱۲۱۸). کاری نیز یکی دیگر از سفرنامه‌نویسانی است که در سال ۱۶۶۴م از ایران بازدید کرد، گرچه اطلاعات مهمی در مورد عزاداری می‌دهد اما از تعزیه یاد نمی‌کند (کاری، ۱۳۴۸: ۱۲۵). علاوه بر این وی در بازدیدی که از شیراز دارد هیچ‌گونه اشاره‌ای به نمایش تعزیه در شیراز ندارد (کاری، ۱۳۴۸: ۱۷۸-۱۸۰).

با این‌وجود تقریباً تمام شواهدی که در مورد مراسم عزاداری امام حسین (ع) در دست داریم متعلق به دوره صفویه است و نوشته‌های این دوره حاکی از وجود آیین‌ها و دسته‌هایی عزاداری از جمله نمایش‌های نمادین محل تابوت فرزندان امام حسین (ع) است. با این‌حال با وجود عناصر نمایشی که بخشی از مراسم عزاداری بودند و علی‌رغم شواهدی از گفتگوهای نمایشی در قالب مرثیه‌خوانی هنوز مدارکی دال بر وجود تعزیه به‌عنوان یک نمایش کامل در آن دوره وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد از واقعه عاشورا تا شروع دولت صفوی، غالباً مراسم عزاداری در قالب دسته‌های نوحه‌خوانی و سینه‌زنی در خیابان‌ها و بازارها به راه می‌افتادند. با ظهور دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع، عنصر جدیدی به نام مرثیه‌خوانی و روضه‌خوانی (Ansary Pettys, 1981: 346)، شور حسینی و تألیف آثاری از جمله روضه‌الشهدا مرحله دوم عزاداری پدید آمد، اما از اواسط قرن هجدهم میلادی دسته‌ها و تعزیه‌خوانی‌ها در ایران، سنتی از نمادها و همایی (مجمع) به قدری غنی و توسعه یافته بود که منجر به تولید تعزیه و شکل‌گیری مرحله سوم عزاداری شد. و با ساخت تکیه (Takiyeh) دولت توسط

(Nematollahi Mahani, 2013: 23)، گرچه دربار عالی به منع و تبعید تعزیه به مناطق دور از مرکز روی آورد ولی با مفهوم اجتماعی پیوند یافت (Chelkowski, 1977: 37). با این حال تعزیه از لحاظ شکلی و محتوایی دچار رکود گردید و اختصاص موقوفات برای برپایی تعزیه‌داری رو به کاهش نهاد. با مطالعه اسناد وقفی و مکتوبات و بررسی تعداد موقوفات مرتبط با تعزیه‌داری به‌ویژه در اواخر عصر قاجار کماکان شاهد رشد و شکوفایی تعزیه در شیراز هستیم. به‌گونه‌ای که چلوکوفسکی می‌نویسد: «علی‌رغم انتقادات اکثر مراجع دینی مبنی بر نشان دادن شخصیت‌های دینی از سوی انسان‌ها، تعزیه روزبه‌روز مورد محبوبیت مردم قرار گرفت، علاوه بر این گرچه برخی معتقدند عقب‌نشینی تعزیه به ولایات بر اثر دخالت‌ها و محدودیت‌های که دولت‌ها بر اجراها اعمال می‌کردند، تأثیر زبان‌باری بر تعزیه به‌عنوان یک هنر داشت، اما دلایل محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد، برعکس آن را از تفکرات انتزاعی و روشنفکرانه تطهیر و حفظ کرده‌است» (Chelkowski, 1977: 37-38). از آنجایی که نعمت‌اللهی ماهانی معتقد است ظهور مدرنیته در ایران باعث شد تعزیه از شهرهای بزرگ به شهرهای دور از مرکز و روستاهای دورافتاده تبعید شود (Nematollahi Mahani, 2013: 23) به‌نظر می‌رسد تعزیه‌داری شیراز چندان وابستگی به مرکز حکومت نداشت و بیشتر تحت تأثیر دیدگاه‌های اهالی و نوع نگاه آن‌ها نسبت به اهمیت و جایگاه تعزیه‌داری در اندیشه دینی- سنتی آن‌ها قرار داشت و موقوفات منحصر به تعزیه‌داری نه تنها دچار رکود نگردید بلکه افزایش نیز یافت. پیامدهای سیاسی و اجتماعی ناشی از قتل ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۳ ق بر برگزاری تعزیه در شیراز اثر گذاشت به‌گونه‌ای که نمایش تعزیه در شیراز متوقف شد، تا اینکه رکن‌الدوله در روز بیست‌وسوم محرم تصمیم به برگزاری نمایش تعزیه گرفت و جمعیت زیادی از آن استقبال کردند که این تجمع و علاقمندی مردم شیراز باعث شد در سال ۱۳۱۴ ه. ق مراسم تعزیه‌خوانی در باغ حکومتی برگزار شود (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۹). علاوه بر این با مهاجرت تعزیه‌گردانان به شهرهای خودشان تربیت و تعلیم تعزیه‌خوانی رونق یافت و تعزیه به این‌صورت در شهرها و روستاها گسترش یافت (بشیر، ۱۳۸۹: ۸۶ نقل از بجنوردی، ۱۳۶۳). این درحالی است که پیش از آن در فرهنگ تعزیه‌خوانی، سنت تعلیم و تربیت شاگرد موسوم نبود و افراد در اثر دیدن مکرر مجالس تعزیه‌خوانی و علاقه وافرشان به امام حسین (ع) به تعزیه‌خوانی کشیده می‌شدند. با بررسی نام اشخاص و بزرگان تعزیه‌داری در شیراز (رک. طبیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۵-۶۹) مشاهده می‌کنیم تعلیم و تربیت تعزیه‌خوانان به‌صورت موروثی و خانوادگی بود و غالباً این سنت از پدر

و مبعث (رحیم زارع شیرازی، ۱۲۸۱: اداره کل، ۱۷۸)، ماه رجب (محمد رحیم‌خان معزالوزاره بن محمد جعفر ناظم‌التجار، ۱۳۱۳: اداره کل، آرشیو ۹، بی‌شماره؛ احمد شیخ بن محمدعلی حسب‌الوصایه باقر بارورز، ۱۳۱۲: اداره کل، ب/۲۲)، ذیحجه، ذیقعد، رمضان (محمدهاشم امام جمعه شیراز، ۱۲۸۷: سپیدان، آرشیو ۵۱۳، بی‌شماره) و آیین قربانی کردن حضرت اسماعیل و سایر قصه‌ها با ریشه قرآنی نیز مورد توجه تعزیه‌خوانان قرار می‌گرفت (Riggio, 1994: 117). علاوه بر این برای برگزاری تعزیه در روزهای جمعه، موقوفاتی نیز تعیین می‌شد (محمود شیخ و حسب‌الوصایه پدرش محمد نبی، ۱۳۳۵: اداره کل م/۷۸؛ ابوالقاسم تهامی شیخ‌الکاء، ۱۲۷۴: اداره کل، ش/۸؛ محمد حسین معمارباشی شیرازی، ۱۳۳۱: اداره کل، آرشیو ۵۴۸، بی‌شماره). همچنین برای تعزیه در عید نوروز نیز موقوفه‌هایی برای برگزاری تعزیه در نظر گرفته می‌شد (محمدهاشم امام جمعه شیراز، ۱۲۸۷: سپیدان، آرشیو ۵۱۳، بی‌شماره) که نشان از توجه تعزیه‌داران به اعیاد باستانی ایران و تنوع در شکل و محتوای تعزیه می‌باشد.

به‌نظر می‌رسد تعزیه در دوره حیات تاریخی‌اش همبستگی خود را با مذهب عامه حفظ کرده و به‌صورت بخش مهمی از مناسک عزاداری عامه در آمده بود. علاوه بر این، پیوستگی وجهه مذهبی تعزیه با اعتقادات فرهنگی- مذهبی مردم باعث گردید تعزیه جایگاه خود را در جامعه سنتی- دینی ایران نگهدارد و در دوره قاجار و به‌ویژه در عصر ناصری به اوج شکوفایی خود برسد. توده مردم، درباریان، اعیان و اشراف بنا به دلایل مختلفی از جمله انگیزه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و... (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۷۷) با شیوه‌های مختلفی از جمله ساخت تکیه و حسینیه و همچنین وقف مزارع، قنوت، روستا و خانه‌های خود برای تأمین هزینه و مایحتاج ضروری این اماکن در راه شکوفایی تعزیه اقدام می‌کردند (Chelkowski, 1977: 34)؛ اما با وجود اینکه از اواخر دوره قاجار به‌ویژه در مرکز دارالخلافه به دلایل مختلف از جمله رشد و افزایش وسعت و جمعیت شهرها، عدم حمایت روحانیون از جمله مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی در اواخر عهد ناصری از تعزیه‌خوانی به دلیل دخل و تصرف طبقه تعزیه‌گردان و تعزیه‌خوان و تحریف وقایع تاریخی و تعطیلی تکیه دولت (همایونی، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۸)، دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی، بی‌توجهی و به‌طبع آن عدم حمایت اشراف، رجال و درباریان به‌ویژه بعد از عصر ناصری، ایستایی فرهنگ سنتی (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۰) و همچنین کنارزدن محمدعلی شاه از حکومت در سال ۱۳۲۷ ق و ممنوعیت برگزاری تعزیه در تکیه دولت (فهندژ سعدی، ۱۳۹۴: ۱۴)، تماس کشورها با یکدیگر و تبادل فکر و اندیشه و ظهور مدرنیته

می‌شد محض نیامدن دستور پیشکار مالیه نمی‌دهد استدعا دارد به خزانه‌دار کل مقرر و حکم شود نقداً مرحمت تا تعزیه‌داری قدیمه تعویق نشود» (ساکما، ۱۳۳۶: ش ۴۴۳۶۷-۲۴۰ و ساکما، ۱۳۳۲: ش ۵۳۸۱۳-۲۴۰)

سند مذکور نشان می‌دهد بخشی از هزینه‌های برگزاری تعزیه از سوی حکومت مرکزی تأمین می‌شد و در صورتی که حکومت مرکزی به حمایت از آن‌ها نمی‌پرداخت امکان تعویق این‌گونه مراسم وجود داشت که نشان از نقش حکومت مرکزی در رونق تعزیه در شیراز عصر قاجار دارد. البته هزینه‌های تعزیه‌خانه جامع عتیق در برخی موارد توسط اهالی نیز پرداخت می‌شد (موقوفه ابراهیم، میرزا و جعفر، میرزا و خدیج بیگم و صالحیه بیگم و غیره ورثه محمد علی برف‌فروش شیرازی، ۱۲۲۰: اداره کل، آرشیو ۳۴۳، بی‌شماره). افزون بر این، بعضی از تعزیه‌خوانان از سوی حکومت مرکزی یا والیان حکومت مرکزی القابی دریافت می‌کردند و حتی حقوق ماهیانه‌ای نیز برای آن‌ها تعیین می‌شد، حتی در برخی موارد مشاهده می‌کنیم که این حقوق‌های ماهیانه به‌صورت موروثی در اختیار خانواده‌های آن‌ها نیز قرار می‌گرفت. ملا محمدباقر شمر از تعزیه‌خوانان فارس در سال ۱۳۱۸ ق طی حکم مکتوبی از سوی میرزا ابوالقاسم نصیرالملک، وزیر وقت فارس به لقب شمر الممالک مفتخر گردید، دریافت این لقب به‌سبب انحصاری بودن آن در کشور و استان، مشمول دریافت حقوق ماهیانه از سوی دولت شد (طبیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۸). علاوه بر این به‌دستور محمدشاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ ق) از محل مالیات فارس مبلغ ششصدوپنجاه تومان حقوق برای تعزیه‌خوانی و مستمری میرزا کوچک نایب‌الصدر از محل مالیات روستاهای بردج در حومه شهر شیراز و روستای فشان در بخش خفر فارس و کارسازی نقدی چهارصدوپنجاه تومان دیگر از طرف حاکم ولایت فارس در نظر گرفته شد (ساکما، ۱۲۲۲-۱۲۶۴: ش ۳۷۳۶۶-۰۳۷۳۶۶). علاوه بر این در سندی دیگر مربوط به هفتمین سال نیز به حاکم شیراز فیروز میرزا فرمانفرما دستور داده شد مبلغ یکصدتومان وجه از بابت عشر مالیات فارس به حاجی میرزا کوچک نایب‌الصدر شیرازی در راستای برگزاری تعزیه و مراسم مذهبی عزاداری امام حسین (ع) بپردازد (ساکما، ۱۲۲۲-۱۲۶۴: ش ۳۷۳۶۷/۰۳۷۳۶۷). در سند دیگری نیز ناصرالدین‌شاه قاجار به فرزندش ظل‌السلطان که حاکم ایالات جنوبی و غربی کشور بود دستور داد مستمری مرحوم میرزا کوچک نایب‌الصدر از محل مالیات و رسومات قریه بردج در حومه شهر شیراز را به فرزندش میرزا آقا اختصاص دهد تا صرف تعزیه‌خوانی ابا عبدالله شود (ساکما، ۱۳۱۲: ۳۷۳۸۵/۰۳۷۳۸۵). در واقع در سند مذکور به موروثی بودن مستمری‌های عاملان و برگزارکنندگان آیین تعزیه اشاره می‌شود.

به پسر منتقل می‌شد و بازیگران از کودکی در خانواده آموزش می‌دیدند (Chelkowski, Nematollahi Mahani, 2013: 70; 1977: 39) که این از تفاوت تعزیه در شیراز عصر قاجار نسبت به سایر شهرها بود.

علاوه بر این ساختار تعزیه و عزاداری محرم در سطح محلی مستقیماً گواه قدرت کسانی بود که مجوز و هزینه‌های مراسم را می‌پرداختند. حتی در زمان حکام و فرمانروایان قاجار که ثروت خود را از طریق نمایش‌های بزرگ تعزیه به نمایش می‌گذاشتند مراسم روستاها و شهرهای پیرامونی در رقابت‌های قدرت میان حاکمان محلی بود. قدرت‌های محلی زمانی مطرح می‌شوند که دولت مرکزی ضعیف باشد یا در معرض سقوط قرار گرفته باشد (Riggio, 1994: 119). مری هاگلند به روشی اشاره می‌کند که جشنواره‌های مذهبی ممکن است برای حفظ یا رقابت برای قدرت محلی تبدیل شود و متصدیان و متقاضیان از ابزارهای فرهنگی مناسب و گوناگون از جمله مراسم مذهبی برای نشان دادن اقتدار سیاسی خود به جمع‌آوری تعداد زیادی از افراد جامعه روی می‌آورند (Hoogland, 1982: 10) همه این موارد به رشد تعزیه‌داری در شیراز کمک شایانی کرد.

۵. بررسی و تحلیل اسناد موقوفات

در عصر قاجار علاوه بر رشد و توسعه عزاداری و شرکت همه قشرها و گروه‌ها در مراسم عزاداری، شیوه‌های نوینی در عزاداری پدید آمد از جمله مردمی‌بودن، حضور گسترده زنان، محدود نبودن عزاداری به دهه محرم و گسترش کمی و کیفی عزاداری، حضور بزرگان حکومت در عزاداری‌ها و... که شهرهای پیرامونی نیز در ابتدا از مرکز حکومت تأثیرات فراوانی پذیرفتند و منجر به رشد و توسعه تعزیه‌داری گردید و سبب شد تا برای برگزاری هرچه بهتر سنت و آیین تعزیه در این شهرها، با اختصاص موقوفه‌هایی همت گمارند. شیراز نیز یکی از شهرهایی بود که از این امر مستثنی نبود و اهالی و کارگزاران حکومتی برای شکوفایی و تکامل تعزیه در این شهر اقدامات مهمی انجام دادند.

دولت مرکزی گاهی اوقات برای مخارج تعزیه کمک‌هایی انجام می‌داد، به‌گونه‌ای که برای برگزاری مجالس تعزیه‌خوانی و همچنین تهیه اسباب و لوازم ضروری برای این مراسم، گاهی اوقات تلگراف و نامه‌هایی از طرف شیراز به تهران برای تهیه مخارج لازم ارسال می‌شد. در یکی از این نامه‌ها درخواست مبلغ دویست تومان برای تأمین هزینه‌های مراسم تعزیه در جامع عتیق شیراز شده است «مقام منبع وزارت جلیله مالیه دویست تومان صرف تعزیه مسجد جامع عتیق همه‌ساله توسط اصف ممالک دهه عاشورا مرحمت

بزرگان این محل می‌توان به حاجی میرزا کریم صراف اشاره کرد که توجه فراوانی به تعزیه‌داری آل‌عبا (ع) داشت و هر سال چندین صد تومان وجه نقد به مصرف طعام و شربت در شب‌های محرم و صفر اختصاص می‌داد (موقوفه کریم صراف، ۱۳۲۲: اداره کل، ک/۳؛ حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۹۱۸/۲-۹۱۹). اسماعیل بن نقدعلی شیرازی یکی دیگر از بزرگان محله اسحاق بیگ بود که موقوفاتی را برای تعزیه اباعبدالله (ع) در عاشورا و اربعین و سه روز آخر ماه صفر وقف کرده است (موقوفه اسماعیل بن نقد علی شیرازی، ۱۲۱۷: اداره کل، آرشیو ۵۷۰، بی‌شماره).

تاجران و صاحبان مشاغل محله اسحاق بیگ از دیگر گروه‌هایی بودند که نقش مهمی در شکوفایی تعزیه در شیراز داشتند از میان آن‌ها می‌توان به عباس قناد (موقوفه عباس قناد ریش سفید جماعت قناد، ۱۲۹۸: اداره کل، آرشیو ۵۲۹، بی‌شماره)، علی اکبر بقال کازرونی (موقوفه علی اکبر بقال، ۱۳۱۰: اداره کل، ع/۱۹)، غلام‌حسین عطار (موقوفه غلام‌حسین عطار، ۱۳۰۶: اداره کل، ع/۲)، لطف‌علی تاجر نحاس شیرازی (موقوفه لطف‌علی تاجر نحاس شیرازی، ۱۳۱۸: اداره کل، آرشیو ۵۱۸، بی‌شماره) و ... اشاره کرد که موقوفه‌هایی را برای تعزیه‌داری در محله اسحاق بیگ اختصاص داده بودند.

از میان زنان هم می‌توان به شیرین جان همسر محمدابراهیم سیاف شیرازی (موقوفه شیرین جان همسر محمدابراهیم سیاف شیرازی، ۱۳۱۴: اداره کل، ب/۱) و خورشید خانم بنت آقا بابا خان (موقوفه خورشید خانم و همسرش سید بن هدایت‌الله، ۱۲۴۷: اداره کل، ب/۱۶۷ و ب/۱۵) و ... اشاره کرد که موقوفاتی را در محله اسحاق بیگ برای تأمین هزینه‌های تعزیه‌داری آل‌عبا (ع) اختصاص دادند. اعیان و بزرگان نیز از مهم‌ترین مشوقان برگزاری مراسم تعزیه داری بودند که در ماه محرم وقف‌هایی را صرف عزاداری و تعزیه‌داری امام حسین (ع) می‌کردند از جمله این افراد حاجی علی اکبرخان قوام‌الملک بود وی موقوفه‌های دائمی را به تعزیه داری خامس آل‌عبا اختصاص داد تا از ابتدای شروع ماه محرم تا سیزدهم این ماه، دهه آخر ماه صفر، تعزیه‌داری در روزهای پنج‌شنبه هر هفته اختصاص داد (وقف‌نامه علی اکبر قوام‌الملک، ۱۲۷۲: اداره کل، ق/۱). محمدهادی زارع شیرازی نیز برای عزاداری و تعزیه‌داری امام حسین (ع) موقوفه‌ای اختصاص داد در این موقوفه هدف و نیت واقف و مکان‌هایی از جمله یک قطعه اراضی زراعتکار (اراضی کردآباد خارج از دروازه کازرون) به این امر اختصاص داده شد علاوه بر این در این موقوفه آمده است که یک‌دهم منافی که از موقوفه به‌دست می‌آید به متولی موقوفه اختصاص دارد و بقیه درآمد آن را به مراسم تعزیه‌داری در ماه‌های محرم و صفر هر سال،

از مهم‌ترین مراکزی که برای برگزاری مراسم و نمایش تعزیه از سوی حکومت مورد حمایت قرار می‌گرفتند می‌توان به قهوه‌خانه بازار مرغ، حسینیّه مشیر، مسجد وکیل، صحن حرم شاه‌چراغ، صحن امام‌زاده زنجیری در محله گود عربان، روی بام علمدارها که در محله بیات است، عمارت کلاه‌فرنگی، میدان پای خاتون، ارگ و میدان جلو ارگ و تکیه تعزیه‌خوانی لقاءالدوله اشاره کرد که از مهم‌ترین محلات تعزیه‌خوانی در شیراز بودند (همایونی، ۱۳۵۷: ۸۲؛ طبیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۳-۶۴).

علاوه بر این تکیه‌هایی توسط اعیان و بزرگان نیز ایجاد شده بود، از جمله این افراد می‌توان به ابوالحسن خان مشیرالملک اشاره کرد. وی بیشتر املاک خود که اغلب در شمال شهر شیراز و «چند ده درخفرک اصفهان (موقوفه ابوالحسن خان مشیر الملک، ۱۲۹۰: اداره کل، آرشیو ۶۵ م/۱۴)، اراضی رحمت‌آباد حومه شیراز، زنگی‌آباد مرودشت و کربال و دشت بال و در جنوب شیراز دهات کُشن، گل کوه و قریه بالشهر در خفر» (موقوفه احمد مستوفی، حسب‌الوکاله حاجیه و محمد معدل الملک حسب‌الوسایه ابوالحسن مشیر الملک، ۱۳۰۲: اداره کل، آرشیو ۶۵ م ۱۴). که اکثر آن‌ها را وقف برگزاری مراسم تعزیه‌داری نمود. حسینیّه مشیر در محله سنگ سیاه شیراز نیز توسط وی ساخته شد و در اکثر ایام سال تعزیه‌داری در آن انجام می‌شده است (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۲۲/۲)، علاوه بر این اطعام عزاداران حسینی در ماه‌های محرم و صفر و همچنین افطاری و سحر در ماه رمضان در آنجا انجام می‌گرفته است (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۳).

در مورد حضور بزرگان و اعیان در مراسم تعزیه و تعزیه‌خوانی، گاهی اوقات هدایایی به آن‌ها داده می‌شد: از جمله در محرم سال ۱۲۹۳ ه.ق، فرمانفرما معتمدالملک برای شرکت در تعزیه‌خوانی به حسینیّه مشیر رفت. مشیرالملک یک طاقه ترمه و یک صد تومان وجه نقد به وی بخشید و در روز دیگری نیز به همسر وی عزه‌الدوله یک طاقه ترمه و یک صد تومان وجه نقد بخشید (امداد، ۱۳۸۷: ۲۷۲). مدرسه حسینیّه حاجی قوام‌الملک شیرازی از دیگر مکان‌هایی است که املاک زیادی بر آن وقف شده بود و از این موقوفات علاوه بر مقرری طلاب، سفره تعزیه‌داری سیدالشهداء در هر هفته از ماه و سال در شب‌های جمعه و دوشنبه و روز عاشورا و ایام صفر و همچنین مخارج تعزیه‌داری تهیه می‌شد (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۱۲۲۲/۲؛ تدین، ۱۳۸۴: ۴۹).

محلات نیز از دیگر مکان‌هایی بودند که جایگاه مهمی در رشد و توسعه تعزیه‌داری در شیراز داشتند از جمله این محله‌ها محله اسحاق بگ بود که اعیان، بزرگان و زنان این محل موقوفات مهمی را برای برگزاری تعزیه اباعبدالله (ع) اختصاص می‌دادند از اعیان و

از مزرعه سلامت آباد در شیراز) خود را قربت و رغبت در ثواب و ترس از رسیدن عقوبت اعلام کرده است (وقف نامه میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان، ۱۳۰۵: اداره کل، آرشیو ۱۵۲، ف/۶).

علاوه بر این میرزاشفیعی مستوفی از دیگر کارگزاران حکومتی در فارس چندین قریه در بریجان، محمودآباد، دزآباد، زردوان، و کلاه سیاه از بلوکات فارس را جهت تأمین هزینه‌های تعزیه‌داری در شیراز وقف کرده است (ساکما، ۱۲۹۰: ۱۰۰۳۸ / ۹۹۷ نمره ۲). وقف‌نامه دیگری که در این پژوهش بررسی شده است، وقف‌نامه مهرعلی خان قاجار است وی که همراه فتحعلی شاه به فارس آمده بود مدت‌ها به‌عنوان کوتوال شهر شیراز منصوب بود و در زمان کوتوالی خویش اقدام به وقف چهار دانگ از قریه آباده در بلوک کوار نمود. از جمله اهداف این موقوفه اختصاص ۶۷/۵ درصد از درآمد آن به برگزاری مراسم تعزیه‌داری در ماه‌های محرم و صفر بوده است. تولیت این موقوفه، در ابتدا به شیخ‌الاسلام فارس (شیخ محمدحسین تمامی) سپرده شد و بعد از وی پسرش شیخ ابوالقاسم تمامی تولیت موقوفه را برعهده گرفت و با خریدن دو دانگ باقی‌مانده از مزرعه آباده در بلوک کوار آن را از طرف خود و همسرش به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء (ع) اختصاص داد (وقف‌نامه مهر علی خان قاجار و شیخ ابوالقاسم تمامی و همسرش: اداره کل، کدملی ۱۶۷۸۸۱۹/۱۴۰۰).

زنان نیز از اقشار مهم جامعه شیراز عصر قاجار بودند که نقش مهمی در شکوفایی تعزیه‌داری در شیراز داشتند؛ چراکه حضور شهربانو در کربلا تداعی حضور ایرانیان بود و منجر به شرکت زنان ایرانی در تعزیه و عزاداری سالار شهیدان گردید (Nematollahi, 2013: 103). علاوه بر این حضرت زینب به‌عنوان زنی پاک‌دامن و شجاع و سخاوتمند که با ظلم مبارزه می‌کرد الگوی زنان ایرانی شده و تأثیر مهمی در توجه زنان ایرانی به وقایع عاشورا داشت (Nematollahi Mahani, 2013: 77). اما از آنجایی که به‌دلیل محدودیت‌های مذهبی، بازیگران زن اجازه اجرا در آیین تعزیه را نداشتند به برگزاری تعزیه و اختصاص موقوفاتی برای تأمین مخارج و هزینه‌های مراسم تعزیه می‌پرداختند (Vanzan, 2015: 307؛ همایونی، ۱۳۵۷: ۲۲). بنابراین زنان بزرگان و اعیان نیز از جمله گروه‌هایی بودند که در کنار مردان موقوفاتی را برای عزاداری در نظر گرفته بودند.^۱

موقوفه خورشید خانم دختر آقا باباخان و شوهرش سید محسن بن میرزا هدایت‌الله از مهم‌ترین موقوفات مهم زنان در شیراز عصر

اختصاص دهد (وقف‌نامه حاجی محمدهادی زارع بن محمداسماعیل شیرازی، ۱۳۱۳: اداره کل، آرشیو ۳۳۰، م/۲۰۱).

علاوه بر این بعضی مواقع اعیان و بزرگان منازل خود را وقف تعزیه‌خانه‌ها می‌کردند و روزی از ایام هفته (غالباً روزهای جمعه) را به برگزاری مراسمات تعزیه‌خوانی اختصاص می‌دادند (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۱۱۷/۱).

اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نیز از شخصی به‌نام مشهدی اسماعیل ولد کربلانی علی از محله چنار سوخته نام می‌برد که ۳ اصله درخت گردو را وقف تأمین هزینه‌های تعزیه‌داری خامس آل‌عبا و سیدالشهدا کرده است (ساکما، ۱۳۳۳: ۹۹۸/۰۰۱۸۰۰ نمره: ۰۰۲). همچنین در سند دیگری از شخصی به‌نام حاجی میرزا نصرالله اصطهباناتی خلف حاجی میرزا بابایی اصطهباناتی یاد می‌شود که بخشی از سهم قنات نیریز از بلوک فارس را وقف تعزیه‌داری سیدالشهدا کرده است (ساکما، ۱۳۲۶: نمره ۰۰۴). تاجران و بازرگانان غیربومی شیراز نیز منازل خود را وقف تعزیه‌خانه‌ها می‌کردند از جمله این تاجران می‌توان به حاجی محمدرضا تاجر دهدشتی اشاره کرد وی شب‌های جمعه هر سال تا صبح به برگزاری تعزیه‌داری می‌پرداخت (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۱۰۳۳/۲). به‌نظر می‌رسد این تعزیه‌ها به‌صورت خانوادگی و شخصی اجرا می‌شد. حاجی محمدصادق تاجر اصفهانی نیز از کسانی بود که برای برگزاری مراسم روضه‌خوانی حسینیه‌ای احداث کرد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۲۲). علاوه بر این برخی از تاجران و بازرگانان بومی شیراز نیز بخشی از املاک، خانه و زمین‌های خود را برای برگزاری تعزیه سیدالشهدا وقف می‌کردند از جمله موقوفه یوسف تاجر شیرازی، ۱۳۱۲: اداره کل، ی/۴؛ موقوفه هادی تاجر شیرازی، ۱۳۳۶: اداره کل، ه/۵ و...).

کارگزاران حکومتی نیز یکی از گروه‌هایی بودند که به توسعه و شکوفایی تعزیه‌داری در فارس توجه فراوانی داشتند از جمله محمدقاسم خان لله باشی مکان‌هایی را در قریه موسومه به قاسم‌آباد در حومه شیراز که شامل اراضی و صحاری شتویکار و صیفی کار و دهکده و خانه‌های ساخته‌شده در قلعه و باغ مذکور را برای تهیه وسایل تعزیه‌داری و اطعام و عزاداری امام حسین (ع) اختصاص داد (وقف‌نامه محمدقاسم خان لله باشی، ۱۳۳۸: اداره کل، ب/۱۵). میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان (مسئول دیوان استیفا) نیز موقوفه ای را برای برگزاری تعزیه‌داری اختصاص داد و در این موقوفه هدف از وقف املاک (قریه‌های فیجان، بنیان، مزرعه کونجان علیا و بخشی

۱. امور خیریه فارس (ناحیه ۴)، آرشیو ۲۰۶، بی شماره؛ خورشید خانم، بی‌بی بنت رمضان شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۱۹۶، ب/۱۴ و... اشاره کرد.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به شیرین جان همسر محمد ابراهیم سیاف شیرازی؛ خاتون جان بنت حسین قلی قصرالدشتی، اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۲۶، بی‌شماره. خدیجه سلطان (خاجیه بی‌بی جان) بنت محمد حسن، اداره کل اوقاف و

به‌گونه‌ای که از سال ۱۲۲۰ق. تا سال ۱۲۹۰ق. (تأسیس تکیه دولت توسط ناصرالدین‌شاه) تعداد موقوفات مرتبط با برگزاری و تأمین مخارج تعزیه‌داری و خرید اسباب و اثاثیه مورد نیاز تعزیه‌گردانان ۵۴ مورد یعنی ۲۷ درصد از کل موقوفات را شامل می‌شد و از زمان ساخت تکیه دولت در سال ۱۲۹۰ق. تا قتل ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۳ق. تعداد موقوفات مرتبط با تعزیه‌داری از سوی اهالی فارس و همچنین عمال حکومتی ۳۴ مورد یعنی ۲۴ درصد از کل موقوفات را دربرمی‌گرفت و از قتل ناصرالدین‌شاه تا پایان دولت قاجار در سال ۱۳۴۴ق. تعداد موقوفات مرتبط با تعزیه ۵۶ مورد یعنی ۳۹ درصد از کل موقوفات را شامل می‌شد (شکل ۲). به‌نظر می‌رسد علی‌رغم موانعی که مراسم تعزیه‌داری بعد از قتل ناصرالدین‌شاه در مرکز حکومت با آن روبه‌رو شد، از جمله ورود مدرنیته، تعطیل شدن تکیه دولت در نتیجه مخالفت برخی از علما با برگزاری مراسم تعزیه‌داری و... تعزیه به شهرهای دور از مرکز و مناطق روستایی تبعید شد و تاحدودی دچار رکود گردید، اما با حفظ اصالت خود در بحث شکل و محتوا در آنجا سیر تکاملی خود را ادامه داده است. بنابراین تعزیه به‌عنوان یک نمایش آیینی و مذهبی توانست در شهر شیراز به‌عنوان یکی از شهرهای مهم عصر قاجار با حمایت تاجران، اعیان، اشراف، زنان و... رویکرد تکاملی خود را ادامه دهد که تعداد و فراوانی موقوفات و همچنین تعداد تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانان در این زمان این دیدگاه را به اثبات می‌رساند.

نتیجه‌گیری

بررسی پژوهش ما نشان می‌دهد عزاداری امام حسین (ع) در عصر قاجار از لحاظ شکلی و محتوا دگرگونی‌هایی یافت و در قالب تعزیه و نمایشنامه تکامل یافت. در روستاها و شهرهای دور از مرکز نیز به‌دلیل تأثیر این نمایش مذهبی بر اقشار مختلف مردم، اهالی این شهرها در قالب ساخت تکیه‌ها و همچنین اختصاص موقوفاتی به رونق و تکامل آن همت گماشتند. تعزیه در شیراز نیز به‌دلیل حمایت‌های اهالی آن از جمله کارگزاران حکومتی، بازرگانان، اعیان، زنان و روحانیون به تکامل رسید و حتی بعد از ساخت تکیه دولت این رونق ادامه یافت؛ گرچه بعد از تعطیلی تکیه دولت به‌دلیل مخالفت‌های برخی از روحانیون تعزیه تا حدود زیادی دچار رکود گردید، اما با تبعید به مناطق روستایی تاحدود زیادی از لحاظ شکلی و محتوایی اصالت خود را حفظ کرد. با تحلیل و بررسی اسناد موقوفات شیراز نیز می‌توان به این مهم پی برد که بعد از تعطیلی تکیه دولت و همچنین قتل ناصرالدین‌شاه، به‌دلیل حمایت‌های مداوم بومیان و اختصاص موقوفه‌هایی برای

قاجار است. اعتبار این موقوفه به‌صورت عام و به‌صورت دائمی می‌باشد و شامل شش دانگ خانه در محله اسحاق بیگ بود که بعد از دریافت وجه اجاره‌ها بخشی به تعمیر و ترمیم موقوفه و باقی‌مانده آن برای تأمین اسباب و برگزاری مراسم تعزیه‌داری امام‌حسین (ع) اختصاص یابد و تولیت این موقوفه با انقراض خویشان نزدیک به علمای اعلم شیراز سپرده می‌شود (وقف‌نامه خورشید خانم بنت آقا باباخان و سید محمدبن میرزا هدایت‌الله، ۱۲۴۷: اداره کل، آرشیو ۲۸۵، م/۱۶۷، ب/۱۵).

موقوفه حاجیه سلطان خانم یکی دیگر از موقوفات مهم زنان شیراز در عصر قاجار است وی در این موقوفه مقرر نمود بخشی از درآمد قریه «ایچ» از توابع اصطهبانات را برای تهیه و خرید ظروف اطعام و تعزیه‌داری که در مجالس تعزیه‌داری حضرت ابی‌عبدالله (ع) مورد استفاده قرار می‌گیرد اختصاص دهند (موقوفه حاجیه سلطان خانم، ۱۳۲۱: استهبان، س/۱۰). نوش‌آفرین همسر یحیی کلانتر سابق فارس نیز مزارعی را در قصرالدشت برای اطعام و تعزیه‌داری خامس‌آل‌عبا (ع) وقف کرده است. (وقف‌نامه نوش‌آفرین، ۱۳۴۳: اداره کل، ن/۳)، علاوه بر این از شخصی به‌نام عصمت‌پناه حسنی بیگم بنت سید اسماعیل یاد می‌شود که چند باب خانه را در محله چنار سوخته وقف تعزیه‌داری کرده است (ساکما، ۱۳۳۳: ش ۹۹۸/۰۰۱۸۰۰ نمره ۳) در حکم عدلیه شیراز نیز از ضیاءالسلطنه خانمی یاد می‌شود که سه دانگ خانه خود را وقف تعزیه‌داری و روضه‌خوانی کرد (ساکما، ۱۳۴۱: ش ۹۸/۲۹۸/۱۰۶۵۱).

با بررسی اسناد موقوفات شیراز در دوره قاجاریه (۱۴۴ مورد)^۱ و مطالعه کمی و آماری آن‌ها حدود ۴۱ درصد یعنی ۵۹ مورد از موقوفات این عصر توسط اعیان و بزرگان، ۱۵ درصد یعنی ۲۱ مورد توسط کارگزاران حکومتی، ۱۲ درصد یعنی ۱۸ مورد توسط زنان، ۲۸ درصد یعنی ۴۰ مورد توسط تاجران و بازرگانان و ۴ درصد یعنی ۶ مورد توسط روحانیون و ائمه جمعه برای تهیه و تأمین مخارج تعزیه‌داری ایالت وقف گردیده است. (شکل ۱) علاوه بر این از ۲۱ مورد از موقوفات کارگزاران حکومتی ۷۶ درصد یعنی ۱۶ مورد از موقوفات کارگزاران حکومتی به‌عنوان نمایندگان حکومت مرکزی در شیراز شامل وقف قریه و خانه بود و ۲۴ درصد یعنی ۵ مورد نیز موجب و پاداشی بود که از سوی آن‌ها و به نمایندگی از حکومت مرکزی به عاملان و تعزیه‌خوانان اختصاص می‌یافت. (شکل ۳) از سوی دیگر با مقایسه آماری تعداد موقوفه‌ها و تفکیک آن‌ها از سال ۱۲۲۰ق. تا سال ۱۳۴۴ق. یعنی پایان دولت قاجار شاهد سیر تکاملی تعزیه هستیم

شیراز: تخت جمشید.

کارری، جوانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

همایونی، صادق (۱۳۵۷)، *تغزیه و تغزیه‌خوانی*، بی‌جا: جشن هنر.

همایونی، صادق (۲۵۳۵)، *حسینیة مشیر*، تهران: سازمان جشن هنر.

همایونی، صادق (۱۳۷۷)، *شیراز خاستگاه تغزیه*، شیراز: بنیاد فارس شناسی.

همایونی، صادق (۱۳۸۰)، *تغزیه در ایران*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.

Al-Khafaji, Ammar Sh. K (2017). A Study of Suffering and Martyrdom in Islamic Ta'ziya and Christian Passion Plays, Lublin Studies in Modern Languages and Literature, volume. ۴۱, No. ۱, pp. 7-19.

Ansary Pettys, Rebecca (۱۹۸۱). The Ta'zieh: Ritual Enactment of Persian Renewal, Theatre Journal; Washington, D.C., etc. Vol. 33, Iss. 3, (Oct 1, 1981): 341-354.

Beeman, William. O (2003). The 'TaZiyeh of Hor, The Taziye of the Children of Moslem, The Taziye of Imam Hussein, Article in Theatre Journal.

Chelkowski, Peter J (1997). TA'ZIYEH: INDIGENOUS AVANT-GARDE THEATRE OF IRAN, Performing Arts Journal, Vol. 2, No. 1(Spring, 1977), pp. 40-31.

Hooglund, M. E (1982). Religious ritual and political struggle in an Iranian village, MERIP Reports, No. 102, Islam and Politics (Jan., 1982), pp. 23-10.

Hussain, Ali. J (2005). The Mourning of History and the History of Mourning: The Evolution of Ritual Commemoration of the Battle of Karbala, Comparative Studies of South Asia Africa and the Middle East Duke University Press, Vol. 25, No. 1, (January 2005), PP. 88-78.

Malekpour, Jamshid (2005). The Islamic Drama, London: This edition published in the Taylor & Francis e-Library.

Nematollahi Mahani, Mahnia A (2013). the holy drama persian passion play in modern iran, Leiden University Press.

Rafifar, Jalaleddin; Shirmohammadi, Asghar (2015). An Anthropological Study on the Origin and Content of Ta'zieh, International Journal of Social Sciences (IJSS) Vol.5, No.4, pp. 74-63.

Riggio, Milla C (1994). Ta'ziyeh in Exile: Transformations in a Persian Tradition, Published By: Comparative Drama, Vol. 28, No. 1, Early and Traditional Drama (Spring 1994), pp.140-115.

Vanzan, A (2015). MOURNING IS BEAUTIFUL: TA'ZIYEH AND GENDER AFFIRMATION IN SOUTH IRAN, Komunikacija i kultura online, Godina VI, broj 6, pp. 306-327.

تأمین هزینه‌ها و مخارج برگزاری این سنت مذهبی توسط آن‌ها تعزیه‌داری در فارس نه تنها دچار رکود نگردید، بلکه با افزایش موقوفه‌ها کماکان شکوفایی خود را حفظ کرد و تقریباً در تمامی ایام سال برگزار می‌گردید. از سوی دیگر گرچه ساخت تکیه و واگذاری موقوفات توسط اعیان، اشراف و بازرگانان در راه برگزاری تعزیه به نیت ادای دین مذهبی یا به‌جا آوردن نذرونیاز و... بود اما بعضی دیگر برای حفظ ظاهر و به‌دست آوردن اعتبار اجتماعی و تحکیم و تقویت نفوذ خود در میان عامه مردم و گروهی نیز به قصد رقابت، هم چشمی و به نمایش گذاشتن مکتب و ثروت خود دست به این کار می‌زدند، اما با بررسی اسناد و موقوفه‌های شیراز انگیزه‌ها و نیات مذهبی متولیان آن‌ها واضح و آشکار است که این از ویژگی‌های بارز موقوفه‌های شیراز در عصر قاجار می‌باشد. علاوه بر این با بررسی اسامی تعزیه گردانان و تعزیه‌خوانان فارس در اواخر عصر قاجار و تعداد آن‌ها نیز می‌توان به شکوفایی و رونق تعزیه‌داری حتی بعد از تعطیلی تکیه دولت پی برد.

منابع

امداد، حسن (۱۳۸۷)، *در عصر قاجار*، شیراز: نوید شیراز.

اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

بجنوردی، محمد کاظم (۱۳۶۳)، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی.

بشیر، حسین (۱۳۸۹)، *تغزیه: مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

بلوکباشی، علی (۱۳۸۳)، *تغزیه‌خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آئینی*، تهران: امیرکبیر.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، اصفهان: کتابخانه سنایی و کتاب فروشی تأیید اصفهان.

تدین، پروین دخت (۱۳۸۴)، *والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب*، ج ۱، شیراز: بنیاد فارس شناسی.

حسینی فسائی، حسن (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، تهران: امیرکبیر.

حکمت یغمایی، عبدالکریم (۱۳۶۹)، *بر ساحل کویر نمک*، تهران: انتشارات قدس.

سیرجانی، سعید (۱۳۸۳)، *وقایع/تفاهیم*، تهران: آسیم.

شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، مترجم اقبال یغمایی، تهران: توس.

طیعی، منصور، سینا امینی زاده، فرشاد کریمی (۱۳۹۹)، *تغزیه*، فراتر از یک هنر کاوشی جامعه‌شناختی در تعزیه ایران، شیراز: بنیاد فارس شناسی.

فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸)، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.

فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (۱۳۷۷)، *آثار عجم*، تهران: امیرکبیر.

فهندژ سعدی، عبدالصمد (۱۳۹۴)، *فرهنگ توصیفی تعزیه و نمایش های آئینی*،

اسناد

ساکما، ۱۳۳۶، شماره ۴۴۳۶۷/۴۴۰، ۲۴۰.

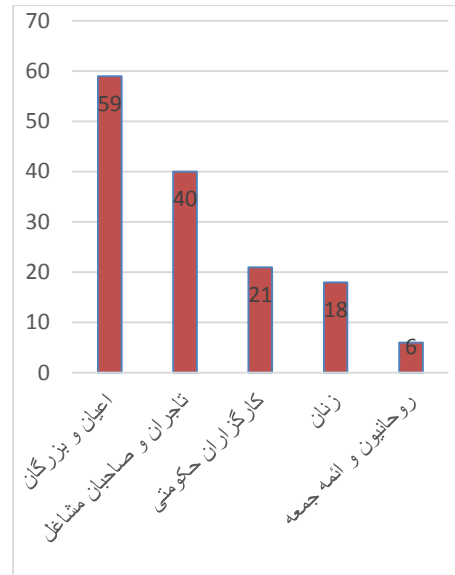
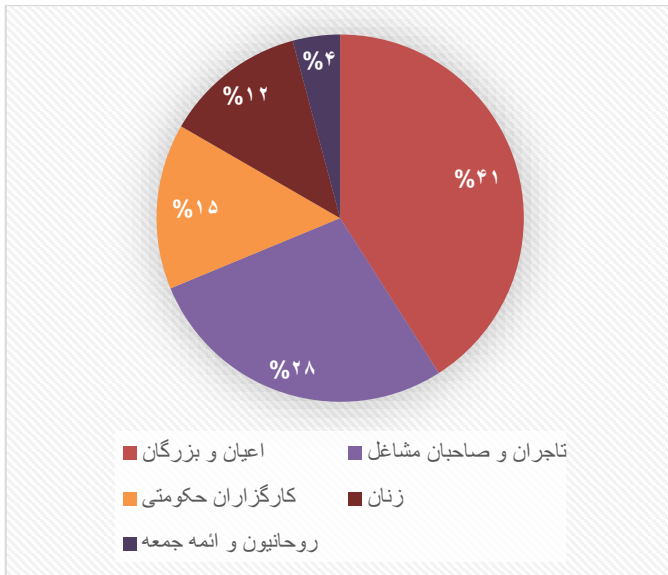
ساکما، ۱۲۹۰، شماره ۰۰۳۸/۹۹۷.
 ساکما، ۱۳۳۲-۱۳۳۰، شماره ۵۳۸۱۳/۲۴۰.
 ساکما، ۱۳۲۲-۱۲۶۴، شماره ۰۳۷۳۶۶/۰۹۹۹.
 ساکما، ۱۳۳۳، شماره ۰۰۱۸۰۰/۰۹۹۸.
 ساکما، ۱۳۲۶، شماره ۰۰۱۸۰۰/۰۹۹۸.
 ساکما، ۱۳۳۳، شماره ۰۰۱۸۰۰/۰۹۹۸.
 ساکما، ۱۳۴۱، شماره ۰۹۸/۲۹۸/۱۰۶۵۱.
 ساکما، ۱۳۲۲-۱۲۶۴، شماره ۰۳۷۳۶۷/۰۹۹۹.
 ساکما، ۱۳۱۳، شماره ۳۷۳۸۵/۰۹۹۹.

اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۳۱، بی شماره.
 وقفنامه محمدحسن معمار باشی شیرازی، حاجی بن محمدجعفر شیرازی (=کمال خان). اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۴۸، بی شماره.
 وقفنامه محمد رحیم‌خان معزوزاره بن محمد جعفر ناظم التجار. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۹، بی شماره.
 وقفنامه محمدهاشم امام جمعه شیراز، حاجی شیخ بن محمد مفید. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۱۳، سپیدان، بی شماره
 وقفنامه محمود شیخ و حسب الوصایه پدرش محمد نبی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۲۲۸، ناحیه ۳، و/۵.
 وقفنامه موقوفه حاجیه سلطان خانم، اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، استهبان، س/۱۰)

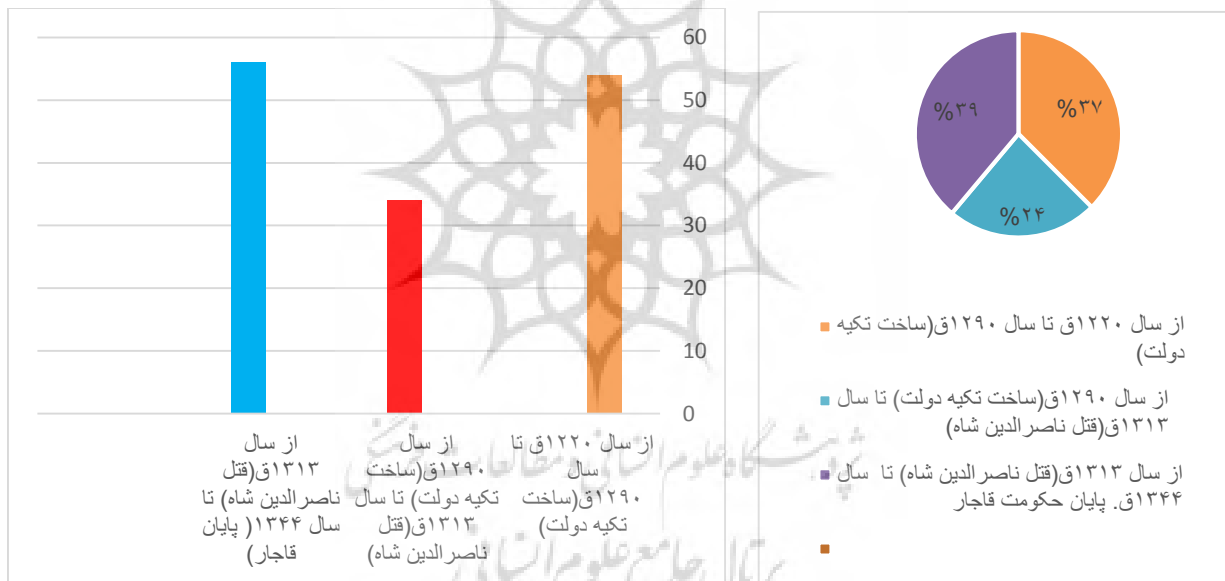
موقوفات

وقفنامه ابراهیم- میرزا و جعفر- میرزا و خدیجه بیگم و صالحیه بیگم و... اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۳۴۳، بی شماره.
 وقفنامه ابوالقاسم تهامی شیخ‌الاسلام الکا، شیخ بن محمدحسین شیخ‌الاسلام سابق. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو، ۲۸۳، ش/۸.
 وقفنامه احمد مستوفی، حاج حسب‌الوکاله سلطان حاجیه و محمد معدل الملک حسب‌الوصایه ابوالحسن مشیر الملک. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۶۵ م/۱۴.
 وقفنامه احمد، شیخ بن محمدعلی حسب‌الوصایه باقر بارورز. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۲۵۱، ب/۲۲.
 وقفنامه اسماعیل، کربلایی حاجی بن نقد علی شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۰۷، بی شماره.
 وقفنامه خاتون جان بنت حسین قلی قصرالدشتی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۲۶، بی شماره.
 وقفنامه خدیجه سلطان (حاجیه بی بی جان) بنت محمدحسن. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس (ناحیه ۴)، آرشیو ۲۰۶، بی شماره.
 وقفنامه خورشید خانم، بی بی بنت رمضان شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۱۹۶، ب/۱۴.
 وقفنامه رحیم زارع شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، م/۱۷۸، ناحیه ۲ ر/۶.
 وقفنامه شبرین جان، بی بی همسر محمدابراهیم سیاف شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۲۵۵، ب/۱.
 وقفنامه عباس قناد ریش‌سفید جماعت قناد. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۲۹، بی شماره.
 وقفنامه علی‌اکبر بقال، مشهدی بن جمعه بقال کازرونی، محمداسحاق بیگ. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۲۴، ع/۱۹.
 وقفنامه غلام‌حسین عطار. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۱۶۹، ع/۴.
 وقفنامه لطف علی تاجر نحاس شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۵۱۸، بی شماره.
 وقفنامه محمد اسماعیل، حاجی بن عبدالنبی زارع. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۲۳۳، م/۸۳.
 وقفنامه محمد حاج (=حاجی آقا بن محمد حسین تاجر)، سوق حاجی اسد بیگی.

وقفنامه موقوفه کریم صراف، اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، ک/۳.
 وقفنامه نوش‌آفرین همسر یحیی کلانتر سابق قصرالدشت. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۳۴۶، ناحیه ۶، ن/۳.
 وقفنامه‌های تاجر شیرازی، میرزا بن علی آقامیرزا. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، ناحیه ۲، ه/۵.
 وقفنامه یوسف تاجر شیرازی بن آقا بزرگ زارع شیرازی. اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس، آرشیو ۳۲۷، ی/۴.
 وقفنامه حاجی علی‌اکبر خان قوام الملک، ۱۲۷۲ق. موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، ق/۱ (مکرر ردیف ۷۱۸).
 وقفنامه حاجی محمدهادی زارع شیرازی، ۱۳۱۳ق. آرشیو ۳۳۰، موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، م/۲۰۱+.
 وقفنامه خورشید خانم و سید محمد بن میرزا هدایت‌الله، ۱۲۴۷ق. آرشیو ۲۸۵، موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، ب/۱۵+.
 وقفنامه محمدقاسم خان لله باشی، ۱۳۳۸ق. موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، ب/۱۵.
 وقفنامه مهرعلی خان قاجار و شیخ ابوالقاسم تمامی و همسرش، ۱۲۲۰ق، موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، کد ملی ۰۱۶۷۸۸۱۹/۱۴۰.
 وقفنامه میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان، ۱۳۰۵ق. آرشیو ۱۵۰، موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس، ف/۶.

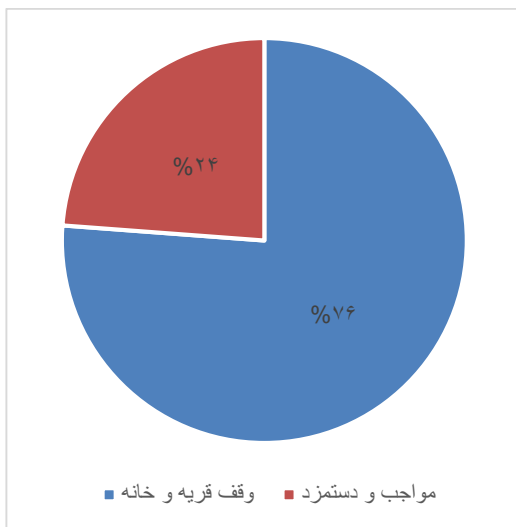


نمودار مشارکت اقشار مختلف جامعه در موقوفات شیراز. شکل (۱)



میزان فراوانی موقوفات در دوره قاجار از سال ۱۲۲۰ ق تا سال ۱۳۴۴ ق.

گاهشمار اسناد موقوفات (شکل ۲)



موقوفات کارگزاران حکومتی (شکل ۳)

اسناد



ساکما، ۰۳۷۳۶۶/۰۳۹۹۹/ص ۰۳۸۲

ساکما، ۵۳۸۱۳-۲۴۰ شماره، ۱۳۳۲ق، ص ۹۱

ساکما، ۴۴۳۶۷-۲۴۰ شماره، ۱۳۳۶ق، ص ۰۲